

## اشاره

از زمانی که اندیشمندی چون روسو در کتاب خود «امیل» بر وجود مدرسه، به مثابه نهادی تأثیرگذار در اجتماعی شدن، تأکید کرد و از هنگامی که ایوان ایلیچ اندیشه «مدرسه‌زدایی» و لزوم خارج ساختن فراگیرندگان از بوغ تعلیم و تربیت رسمی را مطرح کرد، تاکنون این دو دیدگاه به‌طور توأمان در نظام‌های آموزشی جهان مطرح بوده‌اند که البته، نگرش اول و تلاش دولت‌ها برای تحت پوشش قرار دادن تعداد بیشتری از دانش‌آموزان در نظام‌های رسمی چریش بیشتری داشته است؛ به‌طوری که در این سال‌ها و این اواخر، نهادهای جهانی و ملی حتی تعداد و نسبت فراگیرندگان موجود در مدرسه‌ها را از شاخص‌های توسعه انسانی به شمار آورده‌اند. با وجود این، در سال‌های اخیر و در پی گسترش فناوری‌های ارتباطی و توسعه اینترنت و نیز طرح روش‌هایی نوین در آموزش از راه دور، مدرسه‌زدایی و تحصیل در خانه، شکل و شمایل جدیدی پیدا کرده و پدیده آموزش برون‌مدرسه‌ای، که عمدتاً پدران و مادران و برای فرار از تأثیر آموزش‌های رسمی آن را مطرح می‌کنند، توسعه فراوانی پیدا کرده است.

در گزارشی که در این شماره می‌خوانید، پدیده آموزش در خانه را از ابعاد گوناگون می‌شکافیم. این مطالب که هر یک در ستون‌ها و صفحات مستقلی ارائه می‌شوند، هر کدام به نوعی، یک بعد از آموزش در خانه را مطرح می‌کنند. در این راه، ابتدا تاریخچه آموزش در خانه را مطرح می‌کنیم، سپس چگونگی شکل‌گیری این پدیده را در جهان و ایران بررسی کرده، نتایج یک تحقیق ایرانی در این زمینه را به‌طور گذرا مطرح می‌کنیم. همچنین، با مسئله حدود دو میلیون دانش‌آموز آمریکایی که در بیرون از نظام مدرسه‌ای رسمی درس می‌خوانند، آشنا می‌شویم و درمی‌یابیم که چگونه دولت‌مردان آمریکایی، در یک گردش کاری رندانه، این تعداد دانش‌آموز و خانواده‌های آنان را نیز زیر پوشش قرار داده‌اند و «تحصیل در خانه» شعار انتخاباتی هر دو جناح رقیب در این کشور شده است و برای پاسخ‌گویی به این افراد، همواره برنامه‌هایی را مدنظر داشته‌اند. مطالعه این گزارش، از جهاتی می‌تواند پیام‌هایی نیز برای ما داشته باشد. سه سال پیش، در کنار آمار و ارقام کم‌تعدادی که از تحصیل فرزندان برخی هنرمندان و افراد خاص در بیرون از مدرسه‌ها و از لابه‌لای گفت‌وگوهای این افراد با مطبوعات، مشخص شده بود، از تحصیل حدود ۴ هزار دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی مناطق شمالی تهران در مدارس مجازی برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز خبردار شده بودیم. این موج، از مراجعه فراوان دانش‌آموزانی که خواهان دریافت مدارک خود از دبیرستان‌ها بودند و نیز مراجعه به سایت چند دبیرستان مجازی مشخص شد. این آمار اکنون با پیشرفت و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی، در حال گسترش است. باید نظام آموزشی ما با صراحت اعلام کند تابع دیدگاه‌های روسو است یا قرائت جدیدی از مدرسه‌زدایی ایلیچ را پذیرفته است. برای این دانش‌آموزان چه برنامه‌هایی داریم؟ رهاسازی مطلق یا تحت پوشش قرار دادن معقول؟ ایجاد جذابیت‌های مدرسه‌ای یا...

به نظر می‌رسد باید بخش‌های پژوهشی آموزش و پرورش، وظیفه مطالعه پدیده‌های نوین آموزشی جهان و تطبیق آن با رویدادهایی را که در جامعه ایرانی مشاهده می‌شود، عهده‌دار گردند.

کلیدواژه‌ها: آموزش در خانه، تحصیل در خانه، خودآموزی، مدرسه خانگی

سید اصلان مرتضایی

# مدرسه‌زدایی

بررسی پدیده آموزش در خانه از ابعاد گوناگون در ایران

## تاریخچه

آموزش در خانه، پدیده‌ای جدید یا نادر در جهان نیست. در آمریکا از دههٔ هفتاد قرن بیستم، بحث آموزش کودکان در خانه به دلایل مختلف مطرح و پس از دو دهه، در کنار نظام رسمی مدرسه‌ای پذیرفته شد.

مطابق گزارش مؤسسه ملی تحقیقات دربارهٔ آموزش در خانه، حدود ۲/۶ میلیون نفر در آمریکا در خانه آموزش می‌بینند. این رقم هر سال بین ۲ تا ۶ درصد افزایش می‌یابد و تقریباً ۶ درصد جمعیت کودکان مدرسه‌رو آمریکایی را شامل می‌شود. آموزش در خانه، به آموزش کودکان در خانه گفته می‌شود و والدین، معلم خصوصی یا معلم سرخانه عهده‌دار این نوع آموزش‌اند. تا پیش از انقلاب صنعتی، این گونه آموزش خیلی رواج داشت ولی در پی انقلاب صنعتی در اواخر قرن نوزدهم در اروپا و سپس در آمریکا، دولت مسئولیت آموزش کودکان را به عهده گرفت و آموزش اجباری و مدرسه ترویج شد.

والدین آمریکایی متمایل به آموزش در خانه، دو گروه‌اند: گروهی که دلایل ایدئولوژیک دارند و گروهی که دلایل تربیتی ارائه می‌کنند. گروه نخست چون ایدئولوژی حاکم بر مدارس را مخالف اعتقادات خود می‌بینند، با رفتن کودکانشان به مدرسه موافق نیستند. آن‌ها ممکن است از مواد آموزشی مدرسه استفاده کنند، ولی با تأکید بر ارزش‌های اعتقادی و ایدئولوژیک خود. گروه دوم مدرسه را از نظر ساختاری معیوب می‌دانند و معتقدند که مدارس به لحاظ تربیتی ناکارآمدند. آنان میان مدرسه رفتن و تعلیم و تربیت سه تفاوت قائل‌اند: مدرسه را دارای برنامهٔ نظام‌دار، درس‌های معلم‌مدار و تشویق و تنبیه بیرونی می‌دانند و معتقدند که مدرسه رفتن مستلزم انگیزش خارجی دانش‌آموز است؛ در حالی که تعلیم و تربیت مستلزم رشد یادگیرنده و مسئولیت‌پذیری او در مقابل آموخته‌هاست. این دیدگاه تأکید بیشتری بر انگیزش درونی دارد و یادگیری را دارای ساختارمندی کمتر، مستقیم‌تر و تجربی‌تر می‌داند.

مروجان نخست ایدهٔ آموزش در خانه، از افکار کسانی مانند ایلچ متاثر شدند. ایلچ معتقد بود که مدارس، حامی برنامه‌های تجویزی‌اند که منجر به آلودگی محیط، قطبی شدن اجتماع و امثال این‌ها می‌شود. ایلچ می‌گوید: «یادگیری ناشی از آموزش نیست بلکه نتیجهٔ مشارکت بی‌مانع فرد در موقعیت معنی‌دار است.»

این فلسفه به کمک مدافعان ایدهٔ آموزش در خانه آمد و به تدریج در جامعهٔ آمریکا نشو و نما یافت. البته تحکیم و تثبیت این ایده به سادگی میسر نشد و مراحل راطی کرد.

نولز و همکاران (۱۹۹۲) پنج مرحلهٔ زیر را در نهضت آموزش در خانه در آمریکا توصیف می‌کنند:

۱. دورهٔ ستیزه: ناخرسندی از وضعیت آموزش عمومی؛
۲. دورهٔ مقابله: مواجههٔ خانواده‌هایی که ترجیحشان آموزش فرزندان در مدرسه بوده است، با مدارس و مقامات رسمی آموزش و پرورش؛
۳. دورهٔ تشریک مساعی: نتیجهٔ دعاوی حقوقی و مناقشات خانواده‌ها و ادارات آموزش و پرورش، اغلب منجر به رأی به نفع

خانواده‌ها شد. در پاره‌ای موارد، مدارس امکانات خود مانند کتابخانه، لوازم آزمایشگاه، سایت کامپیوتر، کلاس‌های فوق برنامه و امثال این‌ها را در اختیار خانواده‌ها قرار دادند؛

۴. دورهٔ تحکیم: در این مرحله، خانواده‌هایی که بابت انتخاب خود در زمینهٔ آموزش فرزندان به نوعی از جامعه طرد شده بودند، براساس علائق مشترک مانند علائق اعتقادی، مالی و اجتماعی به ایجاد شبکه میان خانواده‌ها اقدام کردند. به‌ویژه خانواده‌هایی که مسیحی و مذهبی بودند و به کلیسای مشترکی تعلق داشتند.

۵. دورهٔ انشقاق: با افزایش شمار خانواده‌های معتقد به آموزش در خانه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، به تدریج تفاوت انگیزه‌ها و عقاید آن‌ها دربارهٔ آموزش در خانه آشکار شد و حداقل مشخص گردید که دو رویکرد در میان این خانواده‌ها وجود دارد. یکی از این رویکردها لیبرال و غیرمذهبی، انسان‌گرا و تربیتی و دیگری مذهبی و مسیحی بود. در حالی که «شبکهٔ هالت»، از مروجان آموزش در خانه، بر جنبه‌های تربیتی آموزش در خانه و رویکرد سکولار و انسان‌گرایانه تأکید داشت، ریموند مور از دیگر حامیان این رویکرد، به جنبه‌های مذهبی گرایش بیشتری داشت.

به تدریج پدیدهٔ آموزش در خانه به سایر کشورها تسری یافت. بسیاری از کشورهای غربی مانند آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، پرتغال و دانمارک این نوع آموزش را به رسمیت شناخته‌اند. در سوئد به دلیل اینکه آموزش به‌طور کلی در قانون اجباری است نه آموزش مدرسه‌ای، افراد می‌توانند فرزندان خود را در خانه آموزش دهند، ولی دولت سوئد به نحوی بر این آموزش نظارت می‌کند.

آموزش در خانه در آلمان، با قانون آموزش مدرسه‌ای در تعارض است و مجازات نقدی سنگینی برای متخلفان از این قانون در نظر گرفته شده است. به رغم این مسئله، نهضت کوچک آموزش در خانه در سال‌های گذشته در این کشور رشد کرده است. وضعیت رشد رویکرد آموزش در خانه در کانادا به‌صورت دیگری است و زمینه‌های متفاوتی را می‌توان برای رشد آموزش در خانه در کانادا ذکر کرد.

## سیاسی یا آموزشی؟

آموزش در خانه، از همه جا بیشتر در آمریکا رواج دارد. در این ارتباط، این پرسش را می‌توان مطرح کرد: آیا وضعیت مدارس آمریکا نامناسب است و محافظه‌کاران به دولت خود بی‌اعتمادند؟ یک پاسخ به این پرسش را می‌توان در رشد «تحصیل در خانه» جست‌وجو کرد. در حال حاضر، در آمریکا از هر ۲۵ نفر یک نفر در خانه تحصیل می‌کند. رشد تحصیل در خانه هنگامی اهمیت می‌یابد که دو حقیقت زیر را نیز در نظر بگیریم: اول تعهد والدین. آن‌ها نه تنها فرصت آموزش رایگان دولتی، بلکه بخشی از درآمد خود را نیز از دست می‌دهند؛ چرا که یکی از والدین (معمولاً مادر) باید در خانه بماند و به آموزش فرزندان بپردازد. حقیقت دوم اینکه بسیاری از تصورات مربوط به آموزش دولتی، با چالش‌هایی مواجه است. در ۱۵۰ سال گذشته، آموزش عمومی اجباری از ویژگی‌های عمدهٔ جوامع متمدن بوده است. جامعه‌شناسانی چون ماکس وبر سیطرهٔ دولت بر تعلیم و تربیت را پیامد طبیعی مدرنیته شدن می‌دانند. با این حال، در آمریکا قریب ۲/۶ میلیون نفر از والدین

اصرار دارند که آموزش باید به خانواده واگذار شود. این اندیشه از کجا ریشه گرفته است؟

## احکام دین

آمار یاد شده را «انجمن دفاع حقوقی از تحصیل در خانه» اعلام کرده است؛ در حالی که در آخرین تحقیق وزارت آموزش و پرورش آمریکا، این رقم ۸۵۰ هزار نفر برآورد شده بود. به هر حال، به نظر می‌رسد که آمار «انجمن دفاع حقوقی از تحصیل در خانه» به واقعیت نزدیک‌تر باشد. مسئولان وزارت آموزش و پرورش در سخنرانی‌های خود از این رقم استفاده می‌کنند. اگرچه آن کسانی که در خانه تحصیل می‌کنند تمایلی به پاسخ به پرسش تحقیقاتی دولتی ندارند، ولی بسیاری از شواهد، حاکی از افزایش تحصیل در خانه است.

بازار خرید و فروش مطالب درسی و ملزومات تحصیل در خانه، سالانه حداقل یک میلیارد دلار است. در حال حاضر سه‌چهارم دانشگاه‌ها، سیاست‌هایی برای دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در خانه دارند و شبکه‌های حمایتی بسیاری در صدها شهر در سراسر کشور تلاش می‌کنند امکانات مختلفی، در اختیار والدین قرار دهند؛ از قبیل ایجاد آموزشگاه‌های علوم، تشکیل تیم‌های ورزشی و دفاع از حقوق و اعتباربخشی. وقتی فروشگاه زنجیره‌ای «جی.سی. پی» در سال ۲۰۰۱ فروش تی‌شرتی با نوشته «تحصیل کرده در خانه» را با تصویر یک خانه متحرک آغاز کرد، این اقدام انتقادهای شدیدی را برانگیخت؛ به طوری که فروش آن متوقف شد.

تحصیل در خانه پدیده‌ای نسبتاً جدید است. وقتی رونالد ریگان در سال ۱۹۸۱ قدرت را به دست گرفت، آموزش فرزندان توسط والدین در خانه در اکثر ایالت‌ها ممنوع بود؛ در حالی که امروزه این امر در همه ایالت‌ها قانونی است. در ۲۸ ایالت، کار دانش‌آموزان باید از طریق شرکت در آزمون‌های استاندارد یا گزیده به‌طور رسمی ارزیابی شود. در سیزده ایالت، والدین فقط باید موضوع تدریس فرزندان در خانه را کتبا به مسئولان اعلام کنند. در ایالت نگزاس، والدین حتی الزامی به اعلام این امر هم ندارند.

دلیل لغو محدودیت تحصیل در خانه در سراسر آمریکا، همان قدرت مذهب است. البته همه کسانی که در خانه تحصیل می‌کنند، محافظه‌کاران مذهبی نیستند. یکی از نخستین مدافعان تحصیل در خانه، جان هلت از چپ‌گرایانی است که مدارس را ابزار دیوان‌سالاری صنعتی می‌داند و معتقد است کودکان باید کم و بیش به خودآموزی بپردازند. شمار سیاه‌پوستانی که در خارج از مدرسه تحصیل می‌کنند، در سال‌های گذشته همواره رو به افزایش بوده است. با این حال، اعضای جنبش موسوم به «گارد حاکم» از محافظه‌کاران اجتماعی هستند. آن‌ها در دهه ۱۹۷۰ در واکنش به انحراف نظام مدرسه‌ای به سوی چپ‌گرایان غیرمذهبی، به تحصیل در خانه روی آوردند و هنوز هم بیشترین حمایت سیاسی را در کنگره آمریکا از این جنبش ابراز می‌دارند. در دو دهه اخیر، سناتور ریک سنتروم به همراه همسرش به آموزش فرزندان خود در خانه پرداخته است. همچنین مارلین ماسگریو، از اعضای سابق کنگره و یکی از جمهوری خواهان طرفدار تحصیل در خانه، از حامیان رفع محدودیت‌های قانونی اعطای بورسیه و کمک‌هزینه تحصیلی به

دانش‌آموزانی بوده است که در خانه تحصیل می‌کنند. جورج بوش در مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۰ گفت: «ما در ایالت تگزاس باید به تحصیل در خانه احترام بگذاریم و از آن دفاع کنیم. احترام به جهت تعهد و صرف وقت و انرژی از سوی مادران و پدرانی که فرزندان‌شان را دوست دارند و از آن در مقابل دخالت دولت، دفاع می‌کنند.» وی در مقام رئیس‌جمهور و در کاخ سفید نیز پذیرای بسیاری از کودکانی شد که در خانه تحصیل می‌کردند. سیاست‌های جورج بوش، باعث رفع بسیاری از محدودیت‌ها در زمینه آموزش در خانه شد و به این ترتیب، همان‌گونه که اتحادیه‌های معلمان، طرفداران بسیاری را برای حزب دموکرات تربیت می‌کنند، دانش‌آموزانی که در خانه تحصیل می‌کنند نیز سربازان پیاده حزب جمهوری خواه شدند. در تمامی سال‌های گذشته، طبق آمار آژانس توسعه نیروی انسانی، قریب ۷۶ درصد جوانان ۲۸-۲۴ ساله که در خانه تحصیل کرده بودند، در انتخابات شرکت کردند.

## آموزش کارآمد

گرچه همواره بسیاری از مردم تمایلی ایدئولوژیک به تحصیل در خانه دارند، اما نباید دچار اشتباه شد؛ اولاً این امر حرکتی از متن جامعه است و والدین با هر مسلک سیاسی، شخصاً تصمیم به آموزش کودکان خود در خانه می‌گیرند. یعنی از دستورات سطوح بالایی برای انجام دادن این کار تبعیت نمی‌کنند. ثانیاً این امر جنبه کاربردی دارد. طرفداران نظریه تحصیل در خانه معتقدند که در خانه می‌توان آموزش بهتری به کودکان ارائه داد.

طبق این نظریه، آموزش فرد به فرد، کودکان را قادر می‌سازد به جای پیشرفت در جهت نظر اتحادیه‌های آموزشی، طبق توانمندی‌های خود جلو بروند. علاوه بر این، کودکان به جای دغل‌کاری‌های سیاسی، طبق آداب و رسوم یادگیری دینی آموزش می‌بینند. در آمریکا، بعضی از طرفداران تحصیل در خانه، اندیشه سنتی دروس سه‌گانه را با همان دروس دستور زبان، منطق، و معانی و بیان می‌پسندند که مستلزم یادگیری زبان یونانی و لاتین است. به نظر می‌رسد این امر سیری قهقریایی باشد اما طرفداران نظریه تحصیل در خانه معتقدند که فناوری از آن‌ها حمایت می‌کند؛ زیرا شبکه جهانی اینترنت، آموزش به مردم در خانه را آسان‌تر کرده است و مطالب بی‌شماری برای آموزش در اختیار می‌گذارد و اکنون انجمن‌ها و فضاهای مجازی امکان دستیابی به اطلاعات را فراهم می‌کنند.

از دیگر عوامل مؤثر و کارآمد تحصیل در خانه، موفقیت آن است. بسیاری از والدین نگران هستند که تحصیل در خانه ممکن است کودکان را گوشه‌گیر و منزوی کند. با گسترش شبکه‌های تحصیل در خانه، تقریباً در همه شهرهای آمریکا این نگرانی رو به کاهش است. دانش‌آموزانی که در خانه تحصیل می‌کنند، می‌توانند با سایر دانش‌آموزان به بازی بیس‌بال بپردازند یا به سفرهای مدرسه‌ای و اردو بروند.

در مورد استانداردهای تحصیلی وضع چگونه است؟ شبکه تحصیل در خانه، خبرهای خوبی دارد: «خانواده‌ای در هاوایی با سه فرزندی که در خانه تحصیل کرده‌اند»، «رمان پرفروش



دانش‌آموزی که در خانه تحصیل می‌کند»، «نفرات اول، دوم و سوم در مسابقات ملی املاي واژگان» و «اولین دانشگاه برای کودکانی که در خانه تحصیل می‌کنند».

به این ترتیب، قطعاً نشانه‌هایی از شکوفایی دانش‌آموزانی که در خانه تحصیل می‌کنند، وجود دارد. یکی از تحقیقات انجام شده توسط «انجمن دفاع حقوقی از تحصیل در خانه» نشان می‌دهد که سه چهارم دانش‌آموزان ۱۴ تا ۲۴ ساله‌ای که در خانه تحصیل کرده‌اند، در دوره‌های کالج به تحصیل خود ادامه داده‌اند که این رقم در مورد کل جمعیت دانش‌آموزی ۴۶ درصد است، اما این امر نمی‌تواند دلیل و مدرک قاطعی باشد. کسانی که در خانه تحصیل می‌کنند، اجباری به گزارش نتایج بد ندارند. علاوه بر این، آن‌ها بیشتر از قشر تحصیل‌کرده جامعه هستند.

### خوب یا بد؟

با این حال، شواهد نشان‌دهنده تغییر در شیوه آشکار شدن مبحث است. در حال حاضر، بحث بر سر این نیست که کودکانی که در خانه تحصیل کرده‌اند، بازنده‌اند یا خیر، بلکه این است که آیا این دانش‌آموزان خوب عمل می‌کنند یا خیر. بیل بنت، وزیر آموزش و پرورش دوران ریاست‌جمهوری ریگان، یک بار با لحن شیطنتم‌آمیزی گفته بود که «شاید بهتر باشد ما نظام آموزشی دولتی را به طرفداران تحصیل در خانه واگذار کنیم!» این طرز فکر غیرممکن به نظر می‌آید اما طرفداران نظریه تحصیل در خانه، یورشی به نظام آموزش دولتی آورده‌اند که معلمان در همه جای جهان باید مراقب آن باشند.

### دانشگاهی برای کسانی که در خانه تحصیل کرده‌اند

اگر بخواهیم ساختمان‌ی را به‌عنوان نماد نهضت تحصیل در خانه انتخاب کنیم، می‌توانیم از «کالج پاتریک هنری» در حومه ویرجینیا نام ببریم. این دانشگاه سنت‌گرا، که در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، شاید فقط حدود ۳۰۰ دانشجو داشته باشد اما در نظر دارد تعداد دانشجویان دوره لیسانس خود را به ۱۶۰۰ نفر برساند و دانشکده حقوق با ظرفیت ۴۰۰ دانشجو را نیز تأسیس کند. از هر پنج نفر دانشجوی این دانشگاه، چهار نفر آن‌ها در خانه تحصیل کرده‌اند.

دو موضوع به شدت مورد علاقه این دانشگاه، «آزادی» و «خدا»ست. دیوارهای دانشگاه از عکس بنیان‌گذاران دانشگاه پوشیده شده و در نام‌گذاری خوابگاه‌های دانشجویان نیز از نام آن‌ها استفاده شده است. مصرف الکل و دخانیات در این دانشگاه، ممنوع است و از دانشجویان مصرا خواسته می‌شود در صورت شروع دوستی با هر کسی، خانواده‌شان را در جریان امر قرار دهند. مایکل فاریس، مؤسس این دانشگاه، آن را مأمونی برای آسودگی از روابط جنسی، مواد مخدر و موسیقی پرهیاهو توصیف می‌کند. کالج درصدد تربیت مسیحیان خوب و کارآمد است. فاریس به افراد تحت سرپرستی خود می‌گوید: همان‌گونه که رسالت والدین شما سوق دادن یک نسل به سوی مسیح بود، رسالت شما سوق دادن ملت ما به سوی بنیان الهی است.» به نظر آقای بیل بوتسلی رئیس امور دانشجویی، مدارس مسیحی

باید همان‌قدر که به تعالی علمی اهمیت می‌دهند، به ارزش‌های معنوی نیز اهمیت دهند. برنامه‌های درسی کالج «پاتریک هنری» عبارت‌اند از: فلسفه، زبان‌های خارجی، تاریخ، تعلیمات انجیل، اقتصاد، ادبیات، علوم، هندسه اقلیدسی و ادبیات لاتین یا یونانی.

### مدرسه خانگی در ایران!

در ایران گروهی کوشیدند با نام‌گذاری‌های خاصی، مدرسه خانگی را نه البته در منازل، بلکه توسط مؤسسات ویژه‌های سامان دهند و حتی توانستند دانش‌آموزانی هم برای خود دست و پا کنند؛ هر چند با مقاومت آموزش و پرورش در اعطای مجوز، عملاً کاری از پیش نبردند و اکثراً به‌صورت چراغ خاموش به برخی مدارس غیردولتی کوچ کردند که لاقلاً بتوانند دانش‌آموزان خود را از مزایای مدرک رسمی و قابل قبول برخوردار کنند. با همه تلاش‌هایی که صورت گرفته، یکی از محققان ایرانی، تعداد این قبیل دانش‌آموزان را قابل توجه ندانسته است و می‌گوید: می‌توان آن‌ها را در ایران حداکثر چند صد تن برآورد کرد (رودی، ۱۳۹۰).

طرفداران آموزش خانگی در ایران، همواره با این استدلال از طرف خانواده‌های مخالفان خود روبه‌رو بوده‌اند: فرزند من قرار است در همین کشور بزرگ شود و زیست کند. لذا من با جدا کردن او از جامعه‌پذیری مدرسه‌ای، تربیت او را در چارچوبی مطابق با آنچه خود می‌خواهم، تنظیم می‌کنم. اگر در آنجا نظام، فرزند مرا در چارچوب می‌کشد، در اینجا هم من چنین کاری می‌کنم. لذا اجازه می‌دهم او در چارچوب نظام باشد و تربیتش جامعه‌پذیر (شکوهی یکتا، ۱۳۸۶).

### نتایج یک تحقیق کیفی در ایران

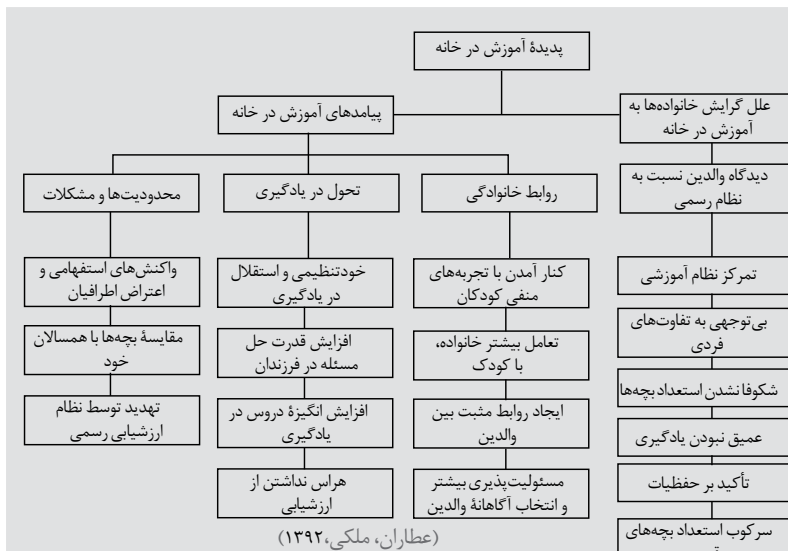
دکتر محمد عطاران و صغری ملکی، در پژوهشی کیفی و پدیدارشناسانه با عنوان: «آموزش در خانه: بدیل مدرسه»، در سال ۱۳۹۱، با خانواده‌هایی که فرزندان خود را از مدرسه بیرون کشیده و خود یا با نظارت خود، به آموزش آن‌ها در منزل یا مکان‌هایی دیگر که شبیه مدرسه‌های بزرگ نیستند، اقدام کرده‌اند، مصاحبه نمودند. نتایج این تحقیق، به‌صورت کامل منتشر شده است. در تدوین بخش‌هایی از این گزارش نیز از ادبیات تحقیق این پژوهش استفاده کرده‌ایم ولی گزاره‌های زیر نتایج جالبی از این پژوهش هستند (عطاران، ۱۳۹۲).

● خانواده‌های تحت پوشش این پژوهش، با توجه به سطح درآمد، محل سکونت و امکانات رفاهی جزء طبقه متوسط و مرفه به شمار می‌روند که علاقه‌مندند بر چگونگی آموزش فرزندان خود نظارت مستقیم داشته باشند.

● والدین این بچه‌ها از خودکارآمدی بالایی برخوردارند؛ چون وظایف متعددی را در تربیت فرزند خود بر عهده می‌گیرند (ما به ازایی برای تمام سمت‌ها و پست‌های مدرسه‌ای).

● وقت‌گذاری بیشتر، یادگیری‌های متعدد، تغییر رویکرد از نگه‌دارنده به تربیت‌کننده از خصوصیات والدین این بچه‌هاست.

● مصاحبه با خانواده‌ها نشان داد انتخاب رویکرد آموزش



(عطاران، ملکی، ۱۳۹۲)

در خانه، علاوه بر آنکه به دلیل ایدئولوژیک بودن نظام مدرسه‌ای ایران است، جنبه تربیتی هم دارد.

● به اعتقاد والدین، فضای مدرسه‌ها به لحاظ فیزیکی و روانی آثار مخربی بر بچه‌ها دارد و بسیار بسته است. همچنین روابط بسیار خشک و اداری و یادگیری غیرعمیق و بدون جذابیت است.

● نظام متمرکز ایران همه را با یک چشم می‌بیند و فرصت رشد فردی به کسی نمی‌دهد.

● به اعتقاد والدین این بچه‌ها، آموزش صرفاً آموزش تعدادی کتاب و دادن مجموعه‌ای از اطلاعات نیست. آموزش سیر زندگی است و با این روش، ما هر دو را داریم. تعداد کتاب‌های غیردرسی که این بچه‌ها می‌خوانند، بسیار بیشتر از بچه‌های مدرسه‌ای است.

● بچه‌ها در تدوین برنامه درسی مشارکت دارند. (البته محققان، به محدودیت‌ها و مشکلات آموزش در خانه هم پرداخته و آن‌ها را از دید سایر محققان و نیز پدران و مادرانی که با آن‌ها مصاحبه شده است، استخراج کرده‌اند که بسیار گسترده هم هست).

### در جست‌وجوی قوانین رسمی

برای استفاده از مزایای آموزش غیررسمی ماده ۲۲ آیین‌نامه

امتحانات دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی مصوب سال ۱۳۸۵: «پایه تحصیلی دانش‌آموزی که به عللی مانند عدم دسترسی به مدرسه، بیماری یا اقامت در خارج از کشور وی در اثر حوادثی از قبیل سیل، زلزله و آتش‌سوزی از بین رفته یا وقفه‌ای در ادامه تحصیل او ایجاد شده است و همچنین پایه تحصیلی دانش‌آموزی که مدارک قابل قبولی جهت ارزشیابی ندارد، در دوره ابتدایی با رعایت حداقل سن متعارف ثبت‌نام و بررسی‌های انجام شده از سوی شورای معلمان توسط شورای مدرسه تعیین می‌شود و در ستون ملاحظات دفتر آمار به رأی شورای مدرسه استناد می‌گردد. در دوره‌های ابتدایی و متوسطه متقاضی ادامه تحصیل با توجه به حداقل سن متعارف و توانایی خود می‌تواند با معرفی اداره آموزش و پرورش محل در امتحان ورودی پایه مورد نظر شرکت کند و در صورت احراز شرایط قبولی، در پایه بالاتر به تحصیل ادامه دهد.

### مدرسه نرفتن استاد دکتر شفیعی کدکنی

«پدر و مادرم دلشان می‌خواست که من مجتهد بشوم. به همین دلیل مرا به مدرسه نفرستادند. من هم از این بابت در آغاز خیلی دلگیر بودم؛ چون که می‌دیدم بچه‌های همسایه‌مان صبح‌ها کیف‌هایشان دستشان است، می‌روند مدرسه، ولی من از اینکه به مدرسه، یعنی به دبستان و دبیرستان، نرفتم بسیار خوشحالم. من از این بابت نه تنها دلخوری ندارم، بلکه بارها و بارها خدا را شکر کرده‌ام... الان می‌بینم که بچه‌های من در دبستان و دبیرستان واقعا عمرشان ضایع شده است.»

### منابع

۱. عطاران، محمد، ملکی، صفی. (۱۳۹۲). آموزش در خانه: بدیل مدرسه. دو فصل‌نامه نظریه و عمل در برنامه درسی. سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ (پژوهش کیفی پدیدارشناسانه).
۲. رودی، محمدتقی. (۱۳۹۰). شناسایی دلایل گرایش به آموزش در خانه از نظر والدین دانش‌آموزان آموزش دیده در خانه ساکن شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. شکوهی یکتا، محسن، پرنده، اکرم. (۱۳۸۶). آموزش در منزل، جایگزین آموزش در مدرسه. فصلنامه خانواده‌پژوهی. سال سوم، شماره ۱۰.
۴. Knowles, J. G., Marlow, S. E., & Muchmore, J. A. (1992). From pedagogy to ideology: Origins and phases of home education in the United States, 1990-1970. *American Journal of Education*, 235-190, (2).
۵. Spiegler, Thomas M. (2009). "Why State Sanctions Fail to Deter Home Education: An Analysis of Home Education in Germany and Its Implications for Home Education Policies." *Theory and Research in Education* 7, no. 3: 296-309.
۶. Villalba, Cynthia M. (2009). Home-based education in Sweden: Local variations in forms of regulation. *Theory and Research in Education* 7